



# MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicalaw.ir>



مقاله پژوهشی

## تعاملات وجدان عمومی و افکار عمومی در پرتو سیاست جنایی عوام‌گرا

سلیمان قاسمی فلاورجانی<sup>۱</sup>، غلامحسین مسعود<sup>۲\*</sup>، احمدرضا توکلی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** از جمله مظاهر اجتماعی عصر کنونی که پدیده مجرمانه را در جامعه گسترش داده وجدان عمومی و مؤثر بودن آن بر پدیده جزایی و جرم و مجازات می‌باشد. حقوق جزایی و نمود جرم و مجازات از این حوزه در امان نمی‌ماند. در عرصه قانون‌گذاری، قضاوت و اجرای حکم، سیاست‌های مربوط به وجدان عمومی، مقنن را مجبور به جرم تلقی نمودن رفتارها در بعضی زمینه‌ها نموده است. در نتیجه ارگان‌های اجرای و قضایی نیز در راستای اعمال صلاحیت‌های خود نیز تحت تاثیر مفهوم وجدان عمومی قرار می‌گیرند.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** سیاست‌گذاری جنایی عوام‌گرا بر مبنای حوادث روزانه و جرائمی است که وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کند به عنوان یک سیاست جنایی مقطعی است که در زمان طولانی نمی‌تواند پدیده جنایی را کنترل کند. علاوه بر آن نوع سیاست‌گذاری عوام‌گرایانه، مبانی اصلی قانون‌گذاری که همان عدالت و مصلحت همگان است را نادیده می‌گیرد.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**نتیجه‌گیری:** در واقع احساسات و وجدان عمومی، دارای ویژگی‌های خاصی مانند انفجاری بودن، گذرا بودن، غیرمنطقی، و... می‌باشد؛ این اوصاف نیز به نوبه خود باعث شده است که سیاست جنایی عوام‌گرا نیز سختگیرانه، عامه‌پسند، نمایشی، احساسی و فاقد مبنای نظری و علمی باشد. با نگاهی به اوصاف و رویه‌های سیاست جنایی عوام‌گرا مشخص می‌شود که عناصر حکومت قانون در مواجهه با این سیاست در فضای حقوق کیفری با چالش مواجه می‌شوند.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴

### واژگان کلیدی:

جرم‌انگاری

وجدان عمومی

افکار عمومی

سیاست جنایی عوام‌گرا

### \* نویسنده مسؤول:

غلامحسین مسعود

آدرس پستی: ایران، نجف آباد،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد،

گروه حقوق.

کد پستی: ۸۵۱۴۱-۴۳۱۳۱

تلفن: ۳۱-۴۲۲۹۲۹۲۹

پست الکترونیک:

gh.masoud@iaun.ac.ir

**۱. مقدمه**

است که کمتر به قلمرو سیاست کیفری و جرائم اقتصادی نظارت و نفوذ پیدا نموده است.

در سال‌های اخیر حساسیت مردم به موضوع جرائم اقتصادی و مجازات مجرمان بیشتر شده است. با این وجود این‌گونه جرائم همانند جرائم جنسی اهمیت خبری پیدا نکرده‌اند. در ایران اخیراً تحت تأثیر سیاست‌های حاکم بر جامعه، موضوع مبارزه با مفاسد و جرائم اقتصادی به یکی از مباحث مهم روز تبدیل شده است. رسانه‌های خبری با پرداختن به موضوع مفاسد اقتصادی، مبارزه با رانت‌خواری را به عنوان درخواست اساسی مردم مطرح نموده و مقامات عدالت کیفری را به سوی اجرای سیاست‌های عامه مردم سوق می‌دهند که تمام این موارد در عمل گرایش به سمت سیاست جنایی عوام‌گرایی را نشان می‌دهد. با توجه به وجود گرایش مزبور در جوامع مختلف از جمله ایران، پرسشی که مطرح می‌شود این است که، در چهارچوب سیاست جنایی عوام‌گرا و با در نظر گرفتن مفهوم حکومت قانون که در بطن آن عناصری مانند شفافیت، جزمیت و... وجود دارد، جایگاه و تعاملات وجدان عمومی و افکار عمومی چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش در ابتدا لازم است که شناخت صحیحی از مفاهیم اصلی پژوهش یعنی سیاست جنایی عوام‌گرا، وجدان عمومی و افکار عمومی به دست آید که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

**۲. ملاحظات اخلاقی**

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**۳. مواد و روش‌ها**

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

از جمله مظاهر اجتماعی عصر کنونی که پدیده مجرمانه را در جامعه گسترش داده وجدان عمومی و مؤثر بودن آن بر پدیده جزایی و جرم و مجازات می‌باشد. حقوق جزایی و نمود جرم و مجازات از این حوزه در امان نمی‌ماند. در عرصه قانون‌گذاری، قضاوت و اجرای حکم، سیاست‌های مربوط به وجدان عمومی، مقنن را مجبور به جرم تلقی نمودن رفتارها در بعضی زمینه‌ها نموده است. در نتیجه ارگان‌های اجرای و قضایی نیز در راستای اعمال صلاحیت‌های خود نیز تحت تأثیر مفهوم وجدان عمومی قرار می‌گیرند.

در این چهارچوب می‌توان به عجله قانون‌گذار در برخی موارد به درخواست مردم اشاره کرد. به عنوان نمونه می‌توان ذکر نمود قانون مجازات افرادی را که به طور سمعی و بصری، غیرقانونی در جامعه فعالیت می‌کنند به سرعت در مورد آنها قانون تصویب نموده است. نظام عدالت کیفری ایران نیز از این پدیده ایمن نمانده است.

قوه مقننه برای قانون‌گذاری در مواردی از تفکرات عمومی تأثیر گرفته که نمونه‌ای از آن مبارزه با جرم و اعمال کیفر در موارد مقطعی و غیردائم را می‌توان ذکر نمود. نظام اجرایی در بعضی شهرهای بزرگ مانند پایتخت، سیاست‌های سخت عوام‌گرایی اعمال نموده است. قضاوت نیز در اعمال کیفر افراد در طی محاکمه‌ها از این افکار عوامانه تأثیر گرفته‌اند. نگارنده قصد دارد با توصیف و تحلیل موضوع را مورد بررسی قرار داده تا اثرگذاری سیاست‌های عوام‌گرایانه را بر نهادها و ارگان‌ها اثبات نماید.

وجدان عمومی از جمله ابتکاراتی است که جرم‌شناسان در بیست سال اخیر و متأثر از ویژگی‌های عوام‌گرایانه سیاسی، برای نوع خاصی از سیاست‌گذاری جزایی به کار برده‌اند. منظور از وجدان عمومی و تأثیر آن بر اجرای عدالت کیفری نگرشی است که در آن سیاست‌گذاران نظام عدالت کیفری سعی دارند سیاست‌ها و برنامه‌هایی را تدوین و اجرا کنند که مورد قبول عامه مردم واقع گردد، و نتایج علمی در مورد تأثیرگذاری و کارآمدی برنامه‌ها و آراء کارشناسان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. تحقیقاتی که در مورد این موضوع صورت گرفته روشنگر این

**۴. یافته‌ها**

سیاست‌گذاری جنایی عوام‌گرا بر مبنای حوادث روزانه و جرمایی است که وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کند به عنوان یک سیاست جنایی مقطعی است که در زمان طولانی نمی‌تواند پدیده جنایی را کنترل کند. علاوه بر آن این نوع سیاست‌گذاری عوام‌گرایانه، مبنای اصلی قانون‌گذاری که همان عدالت و مصلحت همگان است را نادیده می‌گیرد؛ چرا که اعمال این‌گونه سیاست به نفع جامعه و مجرم نیست و تنها تأمین‌کننده منافع سیاست‌گذاران کیفری است که با اعمال این‌گونه سیاست‌ها قصد دارند جوابگوی مردمی باشند که از آنها امنیت و کنترل پدیده جنایی را طلب دارند تا به این طریق اعتماد مردم از آنها سلب نشود.

در واقع مبنایی که باعث به وجود آمدن این‌گونه سیاست‌گذاری می‌شود احساس ناامنی و ترس عمومی است که از طریق رسانه‌ها و در پی حوادث جنایی در بین افراد جامعه به وجود آمده است و سیاست‌گذاران کیفری برای کاهش این ترس عمومی و بدون دخالت دادن نظر نخبگان قوانین سختگیرانه تصویب می‌کنند. به صورتی که در نظام قانون‌گذاری تحت تأثیر عوام‌گرایی کیفری امنیت‌گرا، مقنن بدون توجه به اصل حداقلی حقوق جزا که اعتقاد دارد هر جرم‌انگاری باید ضرورت داشته باشد، دست به جرم‌انگاری‌های وسیعی می‌زند که نتیجه آن تورم قوانین کیفری، افزایش جمعیت زندان و هزینه‌های اقتصادی برای جامعه است.

**۵. بحث****۵-۱. پیشینه تحقیق**

یکی از متغیرهای اصلی پژوهش حاضر یعنی سیاست جنایی عوام‌گرا، مورد توجه پژوهشگران و نویسندگان قرار گرفته است که در ادامه به مهمترین‌های آنها اشاره خواهیم کرد.

مقاله «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا، مطالعه تطبیقی» نوشته محمدباقر مقدسی و محمد فرجیها که در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، پژوهش‌های انجام شده در حوزه عوام‌گرایی کیفری در نظام‌های کیفری مختلف، داده‌های ارزشمندی را برای

شناسایی سیاست‌های واجد این ویژگی در پی داشته است. یافته‌های این مطالعات تطبیقی بیانگر آن است که سیاست‌های کیفری عوام‌گرا معمولاً سخت‌گیرانه، عامه‌پسند، نمایشی و احساسی بوده و فاقد مبنای نظری و علمی است. در بسیاری از موارد واکنش‌های کیفری عوام‌گرا در فضای احساسی و هیجانی، به ویژه پس از حوادث مهم جنایی، مطرح می‌شوند و در تلاش‌اند تا با توسل به تدابیر کیفری شدید، پدیده‌های مجرمانه را در کوتاه‌ترین زمان ممکن کنترل کنند. این رویکرد نیازی به شناخت علمی پدیده‌های مجرمانه در خود احساس نمی‌کند و با استناد به تفسیرهای غیرعلمی از خواست و انتظار عمومی، در صدد سرپوش گذاشتن بر ضعف مبنای نظری سیاست‌های کیفری است. همچنین این نگرش در پاسخ به عوامل ناکامی سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه در کنترل جرم، روش فرافکنی را در پیش گرفته، ریشه تداوم ناامنی را مقاومت در برابر اجرای این سیاست‌ها و نیز وجود گروه‌های غیرخودی و ناهمگن با اکثریت جامعه تلقی می‌کند. نگارندگان این مقاله در تلاش‌اند تا با جمع‌آوری و تحلیل جلوه‌هایی از سیاست‌های کیفری عوام‌گرا در نظام‌های تطبیقی، با استفاده از روش نمونه‌پژوهی در قوانین کیفری و تحلیل گفتمان مقام‌های رسمی سیاست جنایی در بسترهای سیاسی، اجتماعی و حقوقی مختلف، شاخص‌هایی را برای شناسایی سیاست‌های کیفری عوام‌گرا معرفی کنند. به نظر می‌رسد آشنایی با تجربه نظام‌های کیفری توسعه‌یافته در زمینه فرآیند نفوذ اندیشه‌های عوام‌گرایانه به سیاست‌های کیفری، فرصت مناسبی را برای دستیابی به درک و شناخت عمیق نسبت به بسترهای ظهور این رویکرد و ضرورت اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از سیطره رویکردهای عوام‌گرایانه بر یافته‌های علمی فراهم خواهد ساخت (۱).

مقاله «رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی (مطالعه تطبیقی)» نوشته محمد فرجیها و محمدباقر مقدسی که در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، عوام‌گرایی کیفری در دهه‌های اخیر سیاست کیفری بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. در نتیجه حاکمیت رویکرد عوام‌گرایی کیفری، سیاست‌گذاران کیفری تلاش

کشور ایران بررسی نماید تا نشان دهد این گونه سیاست‌ها همیشه اهداف اولیه که بر مبنای آن پدید آمده‌اند را دنبال نکرده‌اند (۳).

### ۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

همانطور که مشاهده شد، یکی از متغیرهای پژوهش حاضر یعنی سیاست جنایی عوام‌گرا در آثار نویسندگان و پژوهشگران حقوق کیفری مورد توجه قرار گرفته است. اما دو نکته در اینجا حائز اهمیت است: اول اینکه، غالب پژوهش‌های انجام شده، به صورت مطالعات موردی در ارتباط با جرائم خاص، مانند جرائم جنسی، جرائم اقتصادی و... می‌باشد؛ دوم اینکه، تعاملات دو متغیر دیگر یعنی وجدان عمومی و افکار عمومی در فضای سیاست جنایی عوام‌گرا مورد توجه قرار نگرفته است. در همین راستا باید دقت داشت که متغیرهای مزبور در کنار یکدیگر تأثیر مستقیمی بر مفهوم حکومت قانون و عناصر مهم آن از جمله شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن نظام حقوقی دارند.

### ۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

رسالت اصلی عالم حقوق، تنظیم روابط میان تابعان و بازیگران آن است. در این فضا، مفهوم حکومت قانون هویت و شاکله اصلی یک نظام حقوقی را ایجاد می‌کند. مفهوم حکومت قانون یکی از مفاهیم مبنایی و اساسی در عالم حقوق محسوب می‌شود. به طور کلی مقصود از حکومت قانون این است که کلیه روابط تابعان حقوق و آثار آن باید به موجب مقررات و قوانین خوب تنظیم شوند. مفهوم حکومت قانون دارای پنج عنصر اصلی می‌باشد که عبارتند از: دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی؛ جزمیت حقوقی و قابل پیش‌بینی بودن؛ تناسب؛ برابری و عدم تبعیض؛ و نهایتاً شفافیت (۴). سیاست جنایی عوام‌گرا، به علت وابستگی به «احساسات عمومی»، عناصر حکومت قانون را با چالش‌های اساسی مواجه می‌کند؛ زیرا اصولاً احساسات عمومی به صورت گذرا، موقتی و فاقد مبنای نظری و علمی می‌باشد. از این رو لازم است که

می‌کنند طرح‌هایی را تدوین و اجرا کنند که مورد پسند عامه مردم است، بدون این که این تدابیر با یافته‌های علمی سازگاری داشته باشند. رسانه‌ای شدن جرم، افزایش ترس و ناامنی، ناامیدی نسبت به الگوهای اصلاح و درمان، و تشدید رقابت‌های انتخاباتی، مهم‌ترین بسترهای ظهور عوام‌گرایی کیفری هستند. جلوه‌های این رویکرد به صورت ارائه تصویری خطرناک از مجرمان جنسی در رسانه‌ها، گرایش به سزاگرایی، قانون‌گذاری کیفری مبتنی بر وقایع مجرمانه و نادیده گرفتن اصول بنیادین حقوق کیفری متجلی شده است. این مقاله بر آن است تا ضمن تشریح چارچوب مفهومی عوام‌گرایی کیفری، بسترهای ظهور و جلوه‌های این رویکرد را در حوزه جرائم جنسی مورد بررسی قرار دهد (۲).

مقاله «عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست‌محیطی» نوشته امین جعفری و اصغر احمدی که در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، امروزه در پس گفتمان‌های متفاوتی مثل توسعه و پیشرفت، آسیب‌های غیرقابل جبرانی از سوی بشر به محیط زیست پیرامون ما وارد می‌شود. بدین‌سان قانون‌گذاران کشورهای مختلف در حوزه تقنین، به امر سیاست‌گذاری برای مبارزه و پیشگیری از این آسیب‌ها می‌پردازند. متولیان امر سیاست‌گذاری جنایی در همه امور و به خصوص در حوزه محیط زیست ناگزیرند که از جهات مختلف، سیاست‌هایی سنجیده، منطقی و کارآمد اتخاذ کنند تا محیط زیست برای حال و آینده ما رو به زوال نرود، اما گاه متولیان نام‌برده بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های پیش‌گفته، در عرصه سیاست‌گذاری به سمت سیاست‌های عوام‌گرا یا پوپولیستی سوق پیدا می‌کنند. مؤلفه‌های سیاست عوام‌گرا را می‌توان در مقطعی بودن، احساسی بودن، غیرکارشناسانه بودن، ناکارآمد بودن و تورم جرم‌انگاری‌ها نظاره‌گر بود. سیاست کیفری عوام‌گرا به هیچ‌وجه به دنبال کشف علل اصلی ارتکاب جرائم نیست و مترصد آن است که با کنار زدن مدل سیاست جنایی نخبه‌گرا با اتخاذ پاسخ‌های قاطعانه و سریع رضایت افکار عمومی را جلب کند. بدین‌سان هدف مقاله آن است که نمودها و جلوه‌های سیاست کیفری عوام‌گرا در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست‌محیطی را در دو عرصه اروپا و

گوناگون می‌باشند. برخی وجود مستقل برای وجدان جمع قائل هستند و بعضی آن را جنبه عارفانه وجدان فردی می‌دانند. و گروهی دیگر آن را مجموعه‌ای از اعتقادات و اندیشه‌ها و اهداف مشترک در یک جامعه می‌دانند. گروهی نیز صرفاً آن را جهت ابراز رویارویی دیدگاه‌های وجدان‌های مختلف در اجتماع می‌دانند که بسیاری از وجدان‌های فردی در آن جمع شده‌اند (۶).

واژه وجدان جمعی برخلاف ایراداتی که در مورد تعاریف همگانی که در آن وجود دارد بسیار مهم می‌باشد، زیرا زندگی اجتماعی انسان به معنی واقعی زمانی پدید می‌آید که در طی آن وجدان‌های گوناگون با روابطی متغیر، چه در جهت تنازع و حتی ایجاد ارتباط فشرده با یکدیگر شکل می‌گیرند. در ضمن واقعیت اجتماعی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، معیارها، نشان‌ها و اهداف است که در ایجاد وجدان جمع یا مشترک یاری می‌نماید و به وجدان‌های جمعی در زندگی فردی یاری می‌بخشد. دورکیم در صفحه ۴۶ کتاب تقسیم کار خود می‌گوید: «وجدان جمعی دارای اندام واحدی که بستر مادی او را تشکیل می‌دهد نیست، وجدان جمعی بنابر تعریف در تمام گستره جامعه پراکنده است، با این همه خصایص ویژه‌ای دارد که موجب تمایز آن به عنوان یک واقعیت متمایز می‌شود» (۷).

وجدان جمعی جدای از شرایط خاصی است که فرد در آن قرار می‌گیرد. وجدان جمعی در افراد گوناگون و حرفه‌های مختلف و در هر محیطی و حتی در زمان‌ها و ادوار مختلف یکی است و با هر نسل تغییر نمی‌کند، بلکه موجب پیوند نسل‌ها به یکدیگر در گذر زمان می‌باشد. بنابراین وجدان جمعی جدای از وجدان‌های جمعی خاص است، هرچند که در بطن وجود افراد است و در جای دیگر محقق نمی‌شود. گسترش نیروی وجدان جمعی در جوامع گوناگون متفاوت است. در جوامع اولیه وجدان جمعی بخش عظیمی از هستی جمعی را شامل می‌شود و با توجه به این نکته دارای احساسات مشترک و نیرومندی هستند و با مجازات‌های شدیدی که به افراد مجرم و خطاکار داده می‌شود به اهمیت آن پی می‌بریم (۸).

جنبه‌های مختلف سیاست مزبور و تعاملات وجدان و افکار عمومی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

#### ۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

متغیرهای این پژوهش، محدودیت‌ها و چهارچوب کلی آن را ترسیم می‌کنند. در میان الگوهای مختلف سیاست جنایی، صرفاً الگوی سیاست جنایی عوام‌گرا مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت؛ همچنین در فضای پژوهش حاضر تکیه اصلی بر تعاملات وجدان و افکار عمومی می‌باشد. لازم به ذکر است که مطالعه موردی جرائم و ناهنجاری‌های موجود در اجتماع در دایره موضوعات پژوهش حاضر قرار ندارد.

#### ۵-۵. مفاهیم پژوهش

در این قسمت به شناسایی و معرفی جامعه‌شناختی- حقوقی وجدان عمومی و افکار عمومی خواهیم پرداخت.

#### ۵-۵-۱. تعریف جامعه‌شناختی - حقوقی وجدان عمومی

وجدان عمومی اصطلاحی است در ترجمه عبارت collective conscience، که دورکیم آن را مورد استفاده قرار داده است. وی وجدان جمعی را مجموعه‌ای از عقاید و احساسات جمعی می‌داند. به عقیده او وجدان جمعی یا روح جمع دلیل تداوم جامعه و پیوند نسل‌ها در خلال اعصار و قرون است و خوبی و بدی عمل یا نیک شمردن آن تابع وجدان جمع است. در وهله اول وجدان احساسی است که به طور طبیعی، انسان نسبت به اعمال و رفتار خود دارد. در معنایی دیگر احساسی درونی است که هر فرد با توجه به آن از جهت اخلاقی، رفتار و اعمال خود را مورد داوری قرار می‌دهد. لزوم عملکرد وجدان، حیات فکری فرد می‌باشد و مناسبات بین انسان‌ها با داشتن وجدان به وجود می‌آید به طوری که در یک لحظه به صورت وجدان من، وجدان ما و وجدان دیگران متجلی می‌گردد (۵).

دورکیم اولین جامعه‌شناسی است که موضوع وجدان جمعی را مطرح نموده و آن را به عنوان واقعیتی عینی، جدای از وجدان فردی در جهت توجیه امور اجتماعی به کار برده است. نظریه‌های مربوط به وجود و ماهیت وجدان جمع متنوع و

تأثیرگذاری بر افکار عمومی را مورد توجه قرار داد. اما مسئله مهم حاکم شدن فضای جنگ سرد و دسته‌بندی ایدئولوژیک بین دو ابر قدرت، افکار عمومی کشورها را تحت تأثیر قرار داده و خیالبافی شیطان را برای قطب مخالف دامن زد. پایان جنگ سرد به این دسته‌بندی‌های ایدئولوژیک خاتمه داده و موجب آزاد شدن افکار عمومی از شدت و سختی فضای جنگ سرد شد. همزمان با این تحول اساسی، دگرگونی دیگری روی داد؛ انقلاب اطلاعات و تشکیل شبکه اینترنت (۱۱).

بعد از روی دادن انقلاب اطلاعات نه تنها افکار عمومی از فضای خصومت‌آمیز جنگ سرد آزاد شد، بلکه موجب اتحاد و پیوستگی افکار عمومی کشورها و تشکیل افکار عمومی بین‌المللی گردید. هم‌چنین پیشرفت دموکراسی و گسترش آن به جهان در حال توسعه موجب تقویت بیشتر اهمیت افکار عمومی از دیدگاه سیاست‌مداران و تأثیر آن بر تصمیمات دولت‌مردان گردید. خاتمه یافتن جنگ سرد از یک سو شروعی نو در روابط بین‌الملل و از سوی دیگر توسعه دموکراسی طلبی و حقوق بین‌الملل و اهمیت یافتن افکار عمومی تلقی نمود. همان‌گونه که مانوئل کاستلز در سه‌گانه ارزشمندش (جامعه شبکه‌ای) اظهار می‌نماید در اواخر هزاره دوم میلادی حوادثی که از اهمیت تاریخی برخوردارند دورنمای زندگی اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار داده‌اند (۱۲).

انقلاب تکنولوژی که پیرامون محور تکنولوژی اطلاعاتی متمرکز است به سرعت در حال تشکیل مجدد پایه‌های مادی جامعه می‌باشد. کشورهای جهان از نظر اقتصادی به یکدیگر وابسته هستند. و در مجموعه‌ای که شکل هندسی آن مدام در حال تغییر است شکل جدیدی از روابط بین اقتصاد دولت و جامعه به وجود آورده‌اند. در حال حاضر با سقوط دولت‌سالاری کشوری و به دنبال آن فروپاشی نهضت جهانی کمونیسم مبارزه تاریخی با سرمایه‌داری را تضعیف نموده و نظریه مارکسیسم را از جذبه مرگ‌بار مارکسیسم لنینیسم رها نموده، جنگ سرد را خاتمه داده، خطر کشتار جمعی اتمی را کم نموده و جغرافیای سیاسی جهان را به طور اساسی دگرگون کرده است. به همین دلیل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شروعی دوباره در روابط بین‌المللی بود که تمام زمینه‌های

هرچه وجدان جمعی نیرومندتر باشد واکنش و خشم بر جرم و تخلف از فرمان‌های اجتماعی شدیدتر است. از نظر دورکیم وجدان جمعی نه تنها عام بلکه خاص هم می‌باشد. به عنوان مثال وجدان جمعی به طور مفصل جزئیات هر عمل و باور مذهبی را به دقت بیان می‌کند. دورکیم عقیده دارد در جوامع پیشرفته که دارای تقسیم کار پیچیده‌تری می‌باشند، محدوده اعمال آن بخش از هستی که تابع وجدان جمعی است کاهش می‌یابد و بازتاب جمعی بر ضدتخلف از ممنوعیت‌های اجتماعی ضعیف می‌گردد. به طور مثال روش اجرای عدالت در جوامع بدوی با دقت و برپایه احساسات جمعی مشخص می‌گردد. ولی در جامعه‌ای که تقسیم کار اجتماعی در آن شدید و پیچیده می‌باشد اجرای عدالت فقط در حد انتزاعی و به اصطلاح عام مشخص می‌گردد (۹).

#### ۵-۲-۵. تعریف جامعه‌شناختی - حقوقی افکار عمومی

افکار عمومی نتیجه عقل و تفکر یکایک انسان‌ها می‌باشد. جهت دادن به تفکر افراد جامعه انسانی در برابر وقایع و حوادث ناشی از تحول و دگرگونی زندگی بشر و عکس‌العمل در برابر این رویدادها افکار عمومی به حساب می‌آید. به عبارت دیگر در یک تعریف ساده گفته می‌شود: «دولت‌هایی که بخواهند قوانین بین‌المللی را زیر پا گذارند، جدا از ضمانت اجرای قانونی، افکار عمومی از عواملی است که به عنوان ضمانت اجرای فرعی حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد» (۱۰).

بیداری و آگاهی روزافزون جوامع بشری به تاریخ موجب به وجود آمدن وجدان یکسان بشری و تشکیل پدیده نوظهور افکار عمومی جهانی در روابط بین‌الملل گردیده است. موضوع افکار عمومی مدت‌هاست مورد توجه سیاست‌مداران و روابط بین‌الملل قرار گرفته است. از بدو شکل‌گیری دموکراسی افکار عمومی کانون اصلی توجه سیاست‌مداران بوده است؛ به این دلیل که پایه و اساس دموکراسی مردم تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی آنها می‌باشد. همگام با این مسئله روزنامه‌ها نیز برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی با یکدیگر به رقابت برخاستند. پیشرفت تکنولوژی و اختراع رادیو و تلویزیون نیز



سیاسی-اجتماعی انسان را دچار پیامدهای خود ساخته است (۱۳).

فروپاشی شوروی و اعلام خاتمه جنگ سرد از طرف کارگزاران حزب کمونیست شوروی و پایان رقابت‌های سخت ایدئولوژیک مجالی در نظام بین‌المللی برای دولت‌ها و ملت‌ها (فراملی و بین‌المللی) به وجود آورد که در طول تاریخ بی‌سابقه بود. گسترش وابستگی اقتصادی و توسعه تعداد دموکراسی‌ها و تقویت تفکر آزادی‌خواهی و الگوی کارآمدی برای کارگزاران حکومتی و افراد غیردولتی، تهدیدات جدید را در سطح بین‌الملل به صورت کلی و برای دولت‌ها به نمو خاص ایجاد نموده است (۱۴).

پدیده دیگر که همگام با این دگرگونی شگرف توسعه یافت، جهانی شدن تحت تأثیر خاتمه یافتن رقابت‌های ایدئولوژیک قدرت‌های جهانی و گسترش اقتصاد بازار آزاد و وابستگی متقابل و همراه با این موضوعات، ظهور تکنولوژی ارتباطات و به وجود آمدن شبکه جهانی اینترنت گسترش بی‌سابقه یافته است، به طوری که تمامی ابعاد زندگی انسان را وارد مرحله جدیدی از دنیای ناشناخته ساخت که تاریخ بشر تاکنون به خود ندیده است. این رخدادها اثر خارق‌العاده‌ای بر پدیده‌های گوناگون انسان از خود برجا گذاشته‌اند، به صورتی که بازبینی دگرگونی‌های هزاره سوم میلادی بدون بررسی دلایل آن در دهه بیست میلادی عملی نابه‌جا است. از تأثیرات مهم این پدیده‌ها توسعه طبقه متوسط در کشورهای جهان است که این قشر پایه اساسی نهضت‌های اجتماعی جدید می‌باشند که نقش اصلی دگرگونی‌های سیاسی-اجتماعی کشورها و در تحولات نظام بین‌المللی به عنوان اهرم فشار غیردولتی با منافع عام‌المنفعه دارند؛ هم‌چون گروه‌های حقوق بشری یا زیست‌محیطی (۱۵).

کلاوس اوفه شرایط نهادی و سیاسی را علت ایجاد جنبش‌های اجتماعی می‌داند. اوفه استدلال می‌کند که منافع در حال افزایش (پول، زمان و آموزش) در ارتباط با طبقه متوسط جدید و محرومیت طبقه متوسط از این منابع در قدیم و گروه‌های حاشیه‌ای در به وجود آمدن جنبش اجتماعی جدید تأثیر دارند. بنابراین طبقه متوسط جدید در ایجاد جنبش‌های

اجتماعی نوین نقش اصلی را ایفا می‌کنند و به همین دلیل تغییرات اساسی در اقتصاد و بنیاد اجتماعی جوامع (به خصوص تأثیر ارتباطات و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و کاهش هزینه‌های انتقال اطلاعات و برقراری ارتباطات) به وجود آمده‌اند و معمولا دارای تحصیلات دانشگاهی و دانش تخصصی هستند. کلاوس اوفه عقیده دارد عمده‌ترین جنبه بازیگران اجتماعی جدید آن است که آنها برای هویت شخصی خود نه بر قواعد و اصول سیاسی موجود (چپ/راست، لیبرال/محافظه‌کار و...) و نه بر قواعد اجتماعی اقتصادی مرتبط (از قبیل طبقه کارگر/طبقه متوسط، فقیر/اغنی، شهری/روستایی و...) متکی نیستند. اوفه شیوه کنش‌های جمعی را در دو بعد می‌داند: شیوه‌ای که در آن افراد با یکدیگر با هدف ساختن یک جمع عمل می‌کنند (شیوه درون‌کنش) و رویه‌ای که توسط آن با دنیای بیرون و دیگر سیاستمداران روبه‌رو می‌شوند (شیوه بیرون‌کنش). شیوه درون‌کنش که توسط آن افراد زیاد، کنشگران جمعی می‌گردند که به صورت غیررسمی، موقتی، ناپیوسته، زمینه‌گرا و تساوی‌گرا می‌باشد. در رویه بیرون‌کنش ترفندهای تظاهرات و اشکالات دیگرکنش را در حضور فیزیکی (تعداد زیادی از مردم) مشاهده کرده‌ایم (۱۶).

می‌توان گفت افکار عمومی عبارت است از عقایدی که گروهی از مردم مطابق با آن ساختار جامعه را می‌سازند و جامعه را طبق آن ارزش‌ها هدایت می‌کنند. هر تفکر و عقیده دیگر زمانی اعتبار دارد که جامعه و افکار عمومی آن این عقاید را در روند عملی مخالف هنجارهای خود ببینند. به طور مثال وقتی دولتی در سطح جهانی حقوق بین‌الملل را نقض می‌کند، مردم سایر کشورها واکنش خود را در آن مورد به شیوه‌های مختلف ابراز و حتی نسبت به عمل ارتكابی معترض می‌گردند و این خود یک ضمانت اجرا برای حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد و باعث می‌شود کشورهای خاطی درصدد جبران عمل ارتكابی برآیند (۱۷).

افکار عمومی در مواردی مخالفت خود را از طریق اعتراضات خیابانی، تظاهرات، صادر نمودن بیانیه‌های مختلف، تحسن در محل ارتكاب جرم برای اعتراض، تحریم کالا و... بروز می‌دهند.

ساختار اولیه خود را در اراده و خواست افراد و اعضای جامعه می‌داند و معتقد است که هیچ اصلی جز جامعه مدنی فراگیر نمی‌تواند با سنجش مصلحت و منافع، اجتماع را در مسیر صحیح انتظام اجتماعی مدیریت و چاره‌اندیشی کند (۲۰).

چنین دولتی از استبداد و تحمیل به دور است و از دیدگاه این دولت، لازم است مشارکت مردم را در موضوعات کوچک و بزرگ در دستور کار خود قرار دهند. در ضمن دولت حداقلی یک دولت صرفاً پاسخگو است و متناسب با شرایط زمانی و مکانی مختلف شهروندان حق و زمان سوال از دولت را دارند. هم‌چنین افراد می‌توانند در صورت لزوم و بنا به خواست اراده جمعی قلمرو نظارت دولت را محدود نمایند (۲۱).

سیاست جنایی در الگوی دولت حداقلی و دولت حداکثری کاملاً معکوس می‌باشد. در این الگو گرایش به سمت مضیق و محدود ماندن دایره جرم‌انگاری است. قلمرو جرم و انحراف یک مسیر تفکیک شده را طی می‌کند و فرآیند واکنش به آنها غالباً جامعه‌ی است. به بیان ساده‌تر در الگوی دولت حداقلی، جامعه مدنی در جلوه فرآیند اعطای قانونی به پدیده‌های جنایی، دخالت محسوس دارد و در عمل نیز مسئول اصلی واکنش به پدیده‌های مزبور است. اما نباید از نظر دور داشت که جامعه مدنی در این الگو از حداقل قدرت نظاره‌گری دولت غافل نیست. دلیل این امر نیز به اعتقاد جامعه مدنی در جهت تلقی قدرت نظاره‌گری دولت به عنوان متغیر مهم، بازمی‌گردد. سیاست جنایی دولت حداقلی در برخورد با بزهکاران از راهکار طرد و حذف بزهکار پیروی ننموده و تا حد قابل قبولی به عکس‌العمل تأمین دفاع اجتماعی که ماهیت غیرکیفری و غیرسرکوب‌گر دارند، تمایل دارد. ضمن اینکه در دولت حداقلی توجه خاصی به موضوع پیش‌گیری غیرکیفری از پدیده جنایی دارد. در واقع در دولت حداقلی برخلاف دولت حداکثری پیش‌گیری کیفری ارجحیت ندارد و سایر مدل‌های پیش‌گیری که موضوع آنها جرم‌شناسی پیش‌گیری است از برتری و تفوق برخوردار هستند (۲۲).

امروزه به دلیل پیشرفت علم و تکنولوژی و بالا رفتن سطح سواد و بینش عامه مردم، افکار عمومی نقش بسزایی در تمامی موارد خصوصاً در حقوق بین‌الملل دارند. در مورد حمله آمریکا به سوریه، این کشورها عقب‌نشینی کردند. و یا در مورد دیگر، افکار عمومی و مخالفت کشورهای مسلمان و غیرمسلمان در خصوص قتل‌عام مردم فلسطین موجب کاهش خشونت‌ها گردید (۱۸).

اعتراض افکار عمومی بر دولت‌هایی که حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را نقض کردند فقط در محل ارتکاب به جرم نمی‌باشد، بلکه فشار افکار عمومی باعث می‌شود که کارگزاران سیاسی آن جوامع برای جلب رضایت مردم با کشورهای قربانی هم‌دردی کرده و حتی از لحاظ مالی و نظامی به کشورهای آسیب‌دیده کمک کنند. لذا توجه افکار عمومی در سطح بین‌الملل در برابر نقض مقررات حقوق بین‌الملل و تأثیر آن در کارکرد کشورها از عواملی است که می‌تواند به عنوان ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل محسوب گردد. آگاهی روزافزون ملت‌ها به تاریخ موجب بیداری وجدان همگانی انسان‌ها و به وجود آمدن عامل نوظهور افکار عمومی جهانی در روابط بین‌الملل می‌گردد (۱۹).

## ۵-۶. مدل سیاست جنایی مبتنی بر توجه به وجدان

### عمومی

دولت حداقلی که در مقابل دولت حداکثری قرار دارد، دولتی است که به طور عمده از عرصه مدیریت اجتماعی دور بوده و قابلیت عمل و سیاست‌گذاری را به طور گسترده به سازوکارهای غیررسمی و جامعه مدنی واگذار کرده است. این دولت در حقیقت نماد حقیقی یک دولت کوچک شده است که وظیفه اصلی خود را حول محور نظارت در امور اجتماعی تعریف کرده است. این دولت که آن را دولت آزادی‌خواه افراطی یا همه‌گیر نامیده‌اند، حریم خصوصی افراد را محترم می‌شمارد و برای آزادی فرد یا جمع اهمیت خاصی قائل است و چنانچه بین مصالح دولت و آزادی‌های فردی تضادی پیش آید صادقانه آنچه را که مورد نزاع و کشمکش است به نفع آزادی‌های فردی تفسیر می‌کند. به عبارت دیگر دولت حداقلی



## ۵-۷. وجدان عمومی عوام و عدالت کیفری

افکار عمومی به خصوص در دو دهه اخیر یک متغیر مهم در شکل‌دهی به جرم بوده و در سیاست کیفری و مخصوصاً سطوح مجازات نقش اساسی داشته است. دیدگاه عمومی از طرق مختلف از جمله انتخابات، نظرسنجی‌ها و یا از طریق فشار مستقیم بر دستگاه قضایی صورت می‌گیرد. اغلب قضات به دلیل حداقل مجازات صادرشده از جانب آنها از ناحیه وجدان عمومی مورد انتقاد قرار می‌گیرند. دولت وجدان عمومی را به سوی سیاست‌گذاری کیفری راهنمایی می‌کند و رسانه‌ها نقش بسزایی در هدایت وجدان عمومی و ترس عامه مردم در مورد بعضی جرائم خاص دارد (۲۳).

وجدان عمومی ممکن است بنا به اطلاعات و نظرات اشتباه خواهان مجازات سخت برای بزهکار باشد، به این دلیل که نسبت به وقوع جرائم مضطرب و نگران می‌باشند. رسانه‌های گروهی تأثیر زیادی بر دیدگاه عموم نسبت به جرم دارند. مطبوعات، تلویزیون و... میزان جرائم را بیشتر از آنچه که در واقع روی داده منعکس می‌کند و برای جذب مخاطب بیشتر روی جرائم خشونت‌بار تمرکز می‌کند نه جرائم معمولی. لذا نقش اساسی در به وجود آوردن ناامنی دارد و نیاز به عکس‌العمل شدید ایجاب می‌کنند. طی چند دهه اخیر با توجه به افزایش میزان جرائم خشونت‌بار درخواست عموم برای سخت‌گیری بیشتر نسبت به جرم خصوصاً در مورد تکرارکنندگان جرم و مرتکبین جرائم خشونت‌آمیز شکل گرفته است. در نتیجه این تقاضای عمومی جرم و موضوعاتی که به آن مربوط می‌باشد تبدیل به نقطه تمرکز برای رقابت کاندیداهای انتخابی گردیده است. با عنایت به اینکه در کشورهای غربی دولت متولی امنیت است و با اختیاراتی که دارد امنیت را تأمین می‌کند، کاندیداهای ریاست جمهوری، مجلس، شهرداری و انجمن شهر در گفتگوهای انتخاباتی وعده‌هایی در ارتباط با نگرش خود نسبت به جرم مطرح می‌کنند (۲۴).

بسیاری از جرم‌شناسان عقیده دارند که تغییر در شرایط اقتصادی و اجتماعی تأثیر بیشتری از دگرگونی در سیستم عدالت اجتماعی در کاهش جرم دارد و دستگاه عدالت کیفری

در این مورد نقش کاملاً محدودی دارد. اما سیاستمداران و عامه مردم برخلاف جرم‌شناسان تأثیر حقوق کیفری را بیشتر می‌دانند و در چالش‌های سیاسی وعده سخت‌گیری نسبت به جرم در قیاس با دیدگاه‌های انعطاف‌پذیر، آراء بیشتری را اتخاذ می‌کنند (۲۵).

در اروپا گفتگوی چپ‌گرایان در مورد امنیت جامعه‌پذیری و اصلاح مجرم بود. بدین معنی که امنیت در برابر بزهکاری در گرو اصلاح و بازپروری مجرم از یک سو و پیش‌گیری از سوی دیگر می‌باشد. جهت‌گیری متقابل امنیت‌گرایی در پرتو اجرای نظام کیفری است. به عنوان مثال در فرانسه احزاب چپ‌گرا بعد از موفقیت در انتخابات، جهت اصلاح زندانیان قصد واگذاری امکانات به آنها را مدنظر داشتند. در سال‌های اخیر احزاب چپ‌گرا با توجه به افکار عمومی و ضعف سیاست بازپروری و پیش‌گیری که دیگر مورد توجه جامعه نبود محور گفت‌وگوهای انتخاباتی خود را به سوی امنیت‌گرایی تغییر دادند. این گرایش‌ها موجب دگرگونی ادبیات اصلاحی درمانی موجود به سوی ستیز با جرم یا جنگ با مواد مخدر گردید. کیفرهای حبس بیشتر و طولانی‌تر شده و در نهایت موجب افزایش تعداد زندانیان گردید (۲۶).

## ۵-۸. افکار عمومی متخصص (دکترین عمومی) و تأثیر

### آن بر سیاست جنایی

سیاست جنایی عقلانی-علمی، سیاستی است که دارای دو جنبه می‌باشد، یکی سیاست جنایی که براساس عقل و سنجش و مطالعه است و دیگری جنبه عملی داشته و مبتنی بر نتایج و تحقیقات کمی و کیفی است. این‌گونه سیاست جنایی در حقیقت سیاست جنایی علمی است. زیرا مبتنی بر نتایج مطالعه و تحقیق درباره یک جرم خاص یا یک کیفر خاص با هدف تعریف یکی سیاست جنایی خاص از تعالیم غالب در حقوق کیفری و جرم‌شناسی بهره‌مند گردیده است. آراء پلیس، قضات، وکلا و کارشناسان، بزهکاران و عامه مردم را بررسی می‌کند. جهت‌گیری عقلانی نسبت به سیاست جنایی ایجاب می‌کند نتیجه یک سیاست جنایی مدتی پس از اجرای آن مورد بررسی قرار گیرد و نقاط ضعف و قوت آن

قسمت دوم سازمان سیاست جنایی نخبه‌گرا و سیاست جنایی عوام‌گرا از نظر خواهد گذشت.

### ۵-۹-۱. مناسبات مفهومی نخبه‌گرایی

بخش مهم هویت، موجودیت و سیاست‌های عمومی نظام اجتماعی، سیاست جنایی می‌باشد. حقایق و فرآیندهای محیط سیاست اجتماعی تعامل‌گریزناپذیری دارد. در ادوار مختلف با هدف مدیریت سازمان‌های اجتماعی، از الگوهای گوناگون و بعضاً متعارض تصدی و دخالت کنش‌گران نظام اجتماعی و وکلای آنها صحبت به میان آمده است. به عبارت دیگر اینکه کدام قشر و کدام دسته از نمایندگان اقشار جامعه باید متصدی برنامه‌های کلان مدیریت نظام اجتماعی و سیاست‌های عمومی آن از جمله سیاست جنایی می‌باشد، در جوامع مختلف همواره مطرح بوده است. برای پاسخ به این سوال و ارائه نقشه مدیریت نظام اجتماعی به شکل رایج از دو الگو صحبت شده؛ یک گروه طرفدار جریان نخبه‌گرایی یا الیتسیسم و گروه دیگر مدافع جریان عوام‌گرایی یا پوپولیسم می‌باشد (۳۰).

نخبه‌گرایی در نظام اجتماعی به لزوم برتری دخالت‌نخبگان در امر مدیریت اجتماعی تاکید می‌کند و نیز دویپارتو از تئورسین‌های این نظام فکری، اعتقاد دارد نخبه کسی است که ذاتاً دارای امتیازات و هوش جسمی و روانی است. با پذیرفتن این تعریف برای نخبه، در تعریف نهضت نخبه‌گرایی گفته می‌شود که در هر جامعه یا گروه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... افرادی وجود دارند که به دلیل توانمندی‌های خود بر دیگران ارجحیت دارند که به موجب این برتری‌ها حق دارند از امتیازات رهبری و پیشگامی بهره‌مند باشند. گفتمان نخبه‌گرایی با نام متفکرانی همانند «پارتو»، «گانتانوموسکا» و «روبرتو میخلر» درآمیخته و این در حالی است که «نیکولوماکیاولی» در میان اندیشمندان اولین کسی است که به مطالعه و روشن ساختن مفاهیم نخبه و نخبه‌گرایی پرداخته است و در مطالعه نهادی جامعه بیان می‌کند که در نهایت تمام فرآیندها و جریان‌های اجتماعی قائل به مسئله تفکیک و جداسازی بین جمعیت نخبگان می‌باشد. بنابراین

مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد. بنابراین وضع قوانین و مقررات کیفری مقطعی و عدم بررسی نتایج اجرای قوانین و مقررات موجب ضعف جنبه علمی سیاست کیفری می‌گردد (۲۷).

سیاست جنایی که براساس عقل و سنجش باشد نتیجه مطالعات جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و آماری به منظور جرم‌انگاری و کیفرگذاری یک حالت یا رفتار خاص یا تغییر مقررات آیین دادرسی و سازمان قضایی است و از همه ارجح‌تر بیلانگری از اعمال آن سیاست جنایی است. مزیت سیاست جنایی عقلانی این است که براساس مطالعات کمی و کیفی در مورد سیاست جنایی خاص می‌باشد و مبتنی بر واقعیات و نظرات کارشناسان است. اصول راهبردی قانون اساسی و دگرگونی‌های حقوق بشری و حقوق کیفری را مراعات می‌کند و براساس کارنامه و بیلان حقیقی سیاست جنایی موجود بوده و دستاوردهای مکاتب کیفری و جرم‌شناسی را مورد توجه قرار می‌دهد. لذا در چهارچوب اصول قانون اساسی انعطاف‌پذیر و سخت‌گیرانه شدن آن نیز مستند می‌باشد (۲۸).

مشکل این‌گونه سیاست جنایی این است که نیاز به هزینه و زمان دارد و اجرای آن نیازمند بودجه و نیروی انسانی آموزش‌دیده و به روزرسانی کردن کنش‌گران سیاست جنایی است و در زمان طولانی بازده آن مشخص می‌گردد. به همین دلیلی ممکن است که دولتی آن را تنظیم و تصویب نموده و نتایج آن به حساب دولت بعدی گذاشته می‌شود. البته در کشورهای مردم‌سالار که مسئولان آن با آراء مستقیم مردم برای مدت کوتاهی انتخاب می‌شوند و نوعی گردش مستمر قدرت وجود دارد. در صورتی که در این کشورها نتایج مثبت کارنامه آنها نقش عمده‌ای در محبوبیت سیاسی آنها دارد. بنابراین ممکن است برخی دولت‌ها روی سیاست جنایی زودبازده و دوره‌ای تمرکز کنند (۲۹).

### ۵-۹. نخبه‌گرایی در عرصه سیاست جنایی

مطالب این مبحث مشتمل بر دو قسمت می‌باشد. در قسمت اول واکاوی مناسبات مفهومی نخبه‌گرایی و عوام‌گرایی و در

فرآیندی است که در طول تاریخ تکرار شده و پایان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین نخبه‌گرایی از الگوهای رایج در علم سیاست، جامعه‌شناسی و حقوق است که بر لزوم وجود نخبگان حاکم در جوامع تأکید دارد (۳۳).

پیشگامان و نظریه‌پردازان این جنبش که مخالف تفکر دموکراسی و ضدمارکسیسم بوده و در عمل امیدوار به رد شدن نظریه‌های جبرگرایی اقتصادی و مبارزه طبقاتی «کارل مارکس» می‌باشند. دغدغه فکری خود را در یافتن پاسخ این سوال می‌دانند که کدام گروه از افراد در امور جامعه حاکم خواهند شد؟ پاسخ معروف ایشان این است که اولاً تفکرات تمرکزگرا و مخالف با پراکندگی و جدایی جامعه را به سوی خیر و مصلحت پیش می‌برند و ثانیاً حکومت و قدرت سیاسی در تمام جوامع بشری در دست اقلیت خاصی بوده که هم از توانایی و پتانسیل مطلوبی برای عهده‌دار شدن امر رهبری بهره‌مند بوده و هم به طور فطری لیاقت و تدبیر لازم را برای متمرکز ساختن قدرت و ستیز با انتشار آن در میان عوامل گوناگون دارا هستند. در نتیجه می‌توان اظهار نمود که به درستی این اقلیت همان نخبگان جامعه هستند که لیاقت ذاتی برای رهبری و راهنمایی عامه مردم در آنها متبلور می‌باشد. بنابراین مسلماً کسانی که امور حکومت و قدرت را در طی تاریخ در دست داشته‌اند نخبگان جامعه بوده‌اند. که برخلاف عامه مردم از سازمان‌دهی و خودآگاهی مطلوبی برخوردار هستند. این نظریه‌سازان نقش بسزایی در آماده نمودن بستر جامعه برای پذیرش نظام فاشیسم را داشتند. هرچند که خود قربانی این رژیم شدند (۳۴).

به هر حال برخی از متفکران بر این باورند که سیاست عوام‌گرایی در مقابل سیاست نخبه‌گرایی قرار دارد که به لزوم دخالت عامه مردم در مدیریت اجتماعی تأکید دارد و مدعی است که سیاست‌گذاری عمومی در همه زمینه‌ها باید با انتظارات مردم منطبق باشد. نهضت عوام‌گرایی از نهضت‌های فکری کهن محسوب می‌گردد که در طی تاریخ نمودهایی از آن تجلی یافته و منشأ آن را در ظهور تفکرات جمهوری خواه و دموکراسی می‌توان یافت، زیرا این نهضت طرفدار نظام سیاسی آزادی‌خواهی و مبتنی بر اداره امور مطابق با توقعات مردم

بدون در نظرگرفتن این تفاوت‌ها به هیچ وجه نمی‌توان فهم و تصویر درستی از معیارهای اجتماعی به دست آورد (۳۱).

وی با اشاره به نظام‌های سیاسی متفاوت عقیده دارد که نخبه‌گرایی درصدد آماده‌سازی جوامع برای حکومت طبقه فرهیخته جامعه است که در طول تاریخ دستاوردهای ارزشمند و قابل توجهی را برای جوامع ارائه داده‌اند. بنابراین تفکر مردم‌سالاری و نظام سیاسی حکومت مردم بر مردم که منتظرند قدرت تصمیم‌گیری و مدیریت و رهبری نظام اجتماعی را به مردم واگذار کنند یک فریضه ضعیف و ناکارآمد است که فرصت رهبری براساس توانایی و استعداد را از طبقه نخبه و کارآمد سلب می‌کند و با چنین استدلالی به نقد از اندیشه دموکراسی و تفکرات آزادی‌خواهی می‌پردازد و آنها را ناشی از توهم صالح‌پنداری عامه مردم می‌داند که در نهایت نتیجه‌ای جز ناکارآمدی مدیریت و رهبری جامعه نخواهد داشت. وی برای روشن نمودن ادعای خود بیان می‌دارد: «مردم اغلب فریب خیر مرهومی را می‌خورند و تباهی خود را می‌جویند. آنانی که در مجالس مشورتی حضور داشته‌اند ملاحظه کرده‌اند که تا چه حد افکار آدمیان دچار لغزش است و اگر آن افکار به وسیله افراد برتر رهبری نگردد، مستعد آن است که در قطب مقابل عقل و منطق قرار گیرد» (۳۲).

به دنبال تثبیت تفکر نوع مکیاولی «ویلفرد دوپارتو» که از صاحب‌نظران این مکتب است با ادامه خط‌مشی فکری متقدمان خود ادعا نمود که نخبگان تنها پیشگامان دانشمند و فرهیخته برای عهده‌دار شدن و مدیریت و رهبری در جوامع بشری می‌باشند. وی با طرح نظریه «رفت‌وآمد نخبگان» که در آن به بررسی و تشریح عوامل ظهور انقلاب‌ها و تحولات در طی تاریخ پرداخته و ادعا می‌کند که عامل اصلی مبارزات و تحولات سیاسی در جوامع مختلف به نارضایتی نخبگان بازمی‌گردد که با وجود داشتن استعداد و توان بالا از رهبری جامعه محروم مانده‌اند. رویارویی و پیکار بین نخبگانی که قدرت را در دست دارند و نخبگان جدید علت تحولات سیاسی و انقلاب‌ها می‌باشد و مردم به عنوان پله‌های ترقی این نخبگان تعریف شده‌اند و مکلفند که برای رسیدن به قدرت این نخبگان تلاش نمایند. پارتو معتقد است که رفت و آمد نخبگان

- اقتحام و اقتراح خواندن اندیشه‌ها و استدلال‌های مدافع کارایی حکومت جمهوری فراگیر (۳۶).  
در طول تاریخ در جوامع مختلف گاهی جنبش نخبه‌گرا و گاهی جنبش عوام‌گرا در حیات سیاسی اجتماعی نمایان شده‌اند. هر کدام از این نهضت‌ها با برجسته نمودن اهداف و نگرانی‌های خود، به دنبال ارتقا و تعالی جامعه در همه ابعاد از جمله سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... می‌باشند. ولی از آنجا که راه‌های استدلال و مستندات متهاثنی دارند، عملاً در مقابل هم قد برافراشته‌اند. صرف‌نظر از این مسائل، این دو رویکرد در حال حاضر در مقایسه با هر زمان دیگری در عرصه راهبردها و چاره‌اندیشی‌های حقوق کیفری و سیاست‌های جنایی اتخاذ شده از آن به نحو چشمگیری مطرح شده است، لذا برای بررسی گفتمان حقیقی سیاست جنایی، روشن‌سازی گستره نفوذ هر کدام از تفکرات و اندیشه‌های ذکر شده در ساختار نظام اجتماعی لازم و انکارناپذیر است و بدون مشخص نمودن آن نمی‌توان چهره واقعی سیاست جنایی را ترسیم نمود.

#### ۵-۹-۲. تأثیر قشر نخبه جامعه بر سیاست جنایی

سیاست جنایی نخبه‌گرا نوعی از سیاست جنایی مختص جامعه نخبه‌گرا می‌باشد و این سیاست مدعی است که تفکرات و رفتار متقابل طبقه نخبه و شیوه برداشت آنها بهترین بستر برای طراحی راهبردی پاسخ به پدیده جنایی می‌باشد. این نوع سیاست جنایی با توجه به مفهوم «حقوق کیفری جمعیت خاصان جامعه» یا «حقوق کیفری نخبگان» طرفدار این گفتمان است که موضوعاتی مانند پاسخ به جرم و انحراف و ضرورت پیشگیری از جرم، از جمله مشکلاتی است که باید با منطق و سیاست مورد نظر طبقه روشنفکر و نخبه جامعه به آنها رسیدگی نمود و اعتقادی نسبت به نوع تفکر و داوری عامه مردم در این زمینه ندارد و حتی قائل به ایستادگی در برابر دیدگاه‌های مردم در این راستا می‌باشد. علاوه بر این گفتمان نهضت نخبه‌گرا در گستره جنایی اعتقاد به فرآیند تجربی، عقلانی و علمی‌سازی تدابیر جنایی دارد. به این معنا که اولاً سیاست جنایی را فرآیند ترکیبی می‌داند که باید آن را در تعامل با کلیه ساختارهای جامعه مدنظر قرار داد. ثانیاً

می‌باشد و در آن بر پراکندگی و تشتت قدرت به سود اقشار مختلف توده مردم از اصالت و حقانیت برخوردار است. مخالفان این نهضت ادعا می‌کنند که عوام‌گرایی یعنی توجه به توده مردم یا پوپولیسم منجر به شکست فرآیند مدیریت اجتماعی می‌گردد. جنبش عوام‌گرایی در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم میلادی به صورت یک انقلاب اجتماعی فرهنگی در بلوک شرق روسیه به طور یکپارچه و نظام‌مند نمایان شد (۳۵).

متفکران این گستره جغرافیایی ادعا می‌کردند که هدفی جز خیرخواهی برای عامه مردم ندارند، بنابراین به تدریج به «جبهه ناردینگ» یا «حامیان و دوست‌داران مردم» مشهور شدند. شعارهای اصلی این جبهه را «نبرد برای نیل به آزادی سیاسی فراگیر» و «بست و توسعه مالکیت خصوصی» تشکیل می‌داد که از جانب جمعیت کثیری به خصوص کشاورزان جزء و رعایا مورد استقبال و حمایت قرار گرفت و با گذشت زمان این نهضت در بلوک شرق طرفداران بیشتری یافت، تا جایی که سیاست‌گذاری و اداره امور حکومت را توسط وکلای قدرتمند خود در دست گرفتند. بنابراین با بازنگری گفتمان‌های این نهضت که پیروی و استقبال بسیاری از جوامع کنونی را فرا روی خود می‌بیند. می‌توان خط و مشی فکری عمده آن را به شرح ذیل برشمرد:

- مقدس شمردن مبارزه با استعمار و سیاست‌ها امپریالیسمی
- جدل آشکار با دیگر حزب‌ها و جبهه‌های انحصارخواه در حوزه تقسیم قدرت
- بست اندیشه لزوم حکمرانی و قدرت‌مداری به اراده و نمایندگی مردم
- تأکید بر ضرورت تحصیل مشروعیت برای نظام سیاسی به واسطه جلب حمایت و پشتیبانی توده مردم
- فراخوانی مردم برای مشارکت فراگیر در سرنوشت سیاسی خود
- معرفی رضایت‌مندی مردم به عنوان عنایت متعالی تدابیر حکومت سیاسی
- تعریف لیاقت و صلاحیت برای توده مردم به منظور تجدیدنظر در مرزها و فراسوهای حقوقی خود

خود از رژیم حقوق کیفری و سیاست جنایی حاکم بر آن مدنظر ندارند. به گفته موافقان این گفتمان در حوزه عکس‌العمل نسبت به بسیاری از جرائم، بخش گسترده‌ای از عامه مردم متأثر بزرگ‌نمایی‌های رسانه‌ها تقاضای برخورد شدید با مرتکبان و اجرای مجازات‌های سخت و سرکوب‌گر را دارند. در حالی که عمدتاً چنین تصویری برخاسته از تبلیغات رسانه‌ها می‌باشد و تناسبی با ضرورت‌های عقلانی در جامعه ندارد. سیاست جنایی نخبه‌گرا اظهار می‌دارد که عامه مردم تصور می‌کنند رویکرد مجازات‌گرانه یا کیفرمدار بهترین راهکار در مقابل پدیده جنایی است. اما در بسیاری از جوامع نارسایی این تفکر به اثبات رسیده است (۳۹).

گذشته از این طرفداران نخبه‌گرا شدن سیاست جنایی اظهار می‌دارند که در راستای گرفتن یک ساختار و رویکرد مطلوب از سیاست جنایی نباید از مفاهیم انتزاعی و مشارکتی شدن دموکراسی و توجه به سطوح توقعات افکار عمومی تبعیت نمود و با رعایت نمودن اصول اساسی حقوق جزا مانند اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل تناسب جرم و مجازات، اصل برائت و... و با هدایت نخبگان به سوی اتخاذ تدابیر و نقشه‌های تجدیدنظرپذیر روی آورد، که در کلیه مراحل شامل نظر کارشناسان و تحلیل و بررسی علمی و فنی باشند. چنین ماهیتی موجب می‌گردد که احساسی‌نگری عامه مردم تأثیری در راهبردهای سیاست جنایی در مسیر بزرگ‌نمایی‌های رسانه‌ها و شایعات غیرواقعی نداشته باشد. در سیاست جنایی نخبه‌گرا کلیه ابعاد ضابطه‌نگاری و اجرای اندیشه‌های جنایی از جمله بخش تقنینی و اجرای آنها، تحت تصدی نخبگان بودی و توجه به رویکردهای مشارکتی و طرفداری از افکار عمومی دیده نمی‌شود. در نهایت مدل نخبه‌گرا، عوام‌گرایی را رویکردی سیاست‌زده و تبلیغاتی معرفی می‌کند. نقطه مقابل، سیاست عمل‌گرا می‌باشد که بالعکس مدل نخبه‌گرا بر دخالت افکار عمومی بر کلیه مراحل سیاست‌گذاری جنایی و اجرای راهبردهای آن تأکید دارد. در سیاست جنایی عوام‌گرا که ماهیتی سیاستی دارد افکار عمومی و راهکار موقت و دوره‌ای بحران پدیده جنایی مورد توجه قرار می‌گیرد. به زعم حقوق‌دانان و سیاست‌مدارانی چون «جان پرت» و «باتمز»

تخصص‌گرایی و کارشناس‌محوری مدرن پیش‌شرط ذاتی بسترسازی سودمند و کم هزینه برای سیاست جنایی و اجرای موفق اندیشه‌ها و نقشه‌های آن است. ثالثاً محک مطلق برای تداوم بخشیدن به رویه‌های جنایی کنونی، اثبات کارآمدی و سودمندی آنها در جامعه می‌باشد (۳۷).

لذا در سیاست جنایی نخبه‌گرا، آزمایش کردن تدابیری که تجربه نشانگر عدم کفایت آنهاست اشتباه توصیف می‌گردد و رضایت خاطر عامه مردم در این عرصه موردنظر نمی‌باشد. اوج این گفتمان در نیمه دوم قرن بیستم روی داد. که در بسیاری از جوامع، مدیریت و اجرای راهبردهای کیفری در کلیه سطوح را اقلیت نخبه شهرنشین عهده‌دار بود. سیاست جنایی نخبه‌گرا اولین بار در حقوق کیفری نخبگان ظهور یافت که مدلی افتراقی را برای نخبگان جامعه در کلیه ابعاد حقوق کیفری پیشنهاد می‌دهد. از آنجا که نخبگان قشر تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده جامعه هستند هم بایستی مورد حمایت مطلوب قرار گیرد و هم باید در صورت بروز رفتارهای مجرمانه از سوی آنها جدیت و خشونت بیشتری نشان داد و در اغلب جوامع نخست این ادعا عملاً صورت می‌گرفت. با نگاهی اجمالی به میزان مجازات و جرم‌های ارتكابی علیه افرادی چون رئیس کشور، کارگزاران دولت عمق این باور را درمی‌یابد، که این افراد جزء نخبگان جامعه محسوب می‌گردند. لذا کوچکترین عمل مجرمانه علیه آنها با شدیدترین کیفر پاسخ داده می‌شود. اما پس از ادعای مذکور به نحو چشمگیری تحت تأثیر مصالح و توجیهات سیاسی قرار گرفت. خصوصاً در مورد نخبگان رده بالا مانند رئیس کشور بیشتر نمایان گردید. در هر صورت حقوق نخبگان در فضای خاص خود توفیق و برتری‌هایی که در حقوق به نخبگان داده شد، برجسته و روشن گردید. به هر حال سیاست جنایی نخبه‌گرا نوعی بدبینی را در مورد نظرات و اصالت قضاوت مردم در ارتباط با موضوعات سیاست جنایی توسعه می‌دهد (۳۸).

لذا در حاشیه ماندن مردم و غیرعقلانی بودن انتظارات و پیشنهادات آنها از ارکان اصلی گفتمان سیاست جنایی نخبه‌گرا است. در گستره سیاست جنایی نخبه‌گرا ادعا می‌شود که عامه مردم معمولاً ضروریات علمی را در نوع نگرش و توقع

نظام فکری موسوم به عوام‌گرایی کیفری، اندیشه‌های گرت‌برداری شده از جنبش‌های مسلم عرصه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی در دهه پایان قرن بیستم میلادی است که در راستای تأمین نظر افکار عمومی، زمینه‌ساز فراگیری افزون‌تر تفکر کیفرمداری عمومی شده است (۴۰).

به این سبب نظام‌های حقوق کیفری شاهد گسترش خشونت قضایی و عکس‌العمل‌های شدید و سرکوب‌گرایانه شدند که به دلیل جلب نظر عوام مشروعیت و مقبولیت یافتند (و تثبیت الگوها، انگاره‌های سیاسی و تبلیغاتی در نظام اجتماعی دامن زدند). از آنجا که نهضت عوام‌گرایی نشأت گرفته از خواست‌ها و تمایلات سیاسی حاکم بر شرایط وقت جامعه بود، عملاً زمینه را برای گسترش جنبه سیاسی - تبلیغاتی و روزمصرف به برنامه‌ها و تدابیر عمومی و برتری و ترجیح آن بر کیفیت و کارایی این تدابیر شد. بنابراین عوام‌گرایی کیفری همواره برای کسب مشروعیت و جلب آراء عمومی از سوی سیاست‌مداران و متولیان مدیریت اجتماعی در جامعه در مواقعی مانند انتخابات و همه‌پرسی‌های سراسری و دوره‌ای مورد استفاده و استناد قرار می‌گیرد، تا در کنار آن و در پوشش برجسته‌سازی لزوم توجه به افکار عمومی جامعه و فراهم آوردن بستری برای پاسخ به نگرانی‌ها و احساسات و تفکرات جریحه‌دار شده عامه مردم تحت تأثیر ارتکاب و شیوع جرم و انحراف عملاً زمینه را برای رسیدن به اهداف سیاسی خود فراهم نمودند (۴۱).

بنابراین عوام‌گرایی کیفری فرآیندی است که توسط آن طرفداران نظم و قانون و طرفداران حقوق بزه‌دیدگان و نمایندگان مردم تأثیر بسازبی در سیاست‌های دولت می‌گذارند، درحالی که نظرات دانشگاهیان گروه‌های حقوق شهروندی، فعالان عدالت کیفری و... کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و با وجود ابهاماتی در چهارچوب مفهوم عوام‌گرایی کیفری می‌توان چند وجه مهم برای این رویکرد بیان نمود. اولاً در عوام‌گرایی کیفری تلاش می‌شوند از عقاید نخبگان در سیاست‌گذاری‌ها دوری گزیده و آراء مردم مورد استفاده قرار گیرد. دوم اینکه این امر برای جلب افکار عمومی می‌باشد. سوم، این رویکرد نسبت به کارآمد بودن برنامه‌ها بی‌اعتنا و به رضایت عامه مردم در سیاست‌ها توجه می‌کند. می‌توان گفت

عوام‌گرایی رویکردی است که در آن توجه به افکار عمومی و خواست‌های مردم سبب شده سیاست‌ها و برنامه‌هایی که مبنای علمی و کارشناسی ندارند تدوین و اجرا گردد. به عبارتی در عوام‌گرایی کیفری خواست‌های مردم در برابر نظرات کارشناسان در مورد شیوه برخورد با مجرم در اولویت قرار دارد. فرآیند عوام‌گرایی کیفری بر لزوم حفظ امنیت افراد عادی جامعه در برابر خطراتی که از جانب بزه‌کاران آنها را تهدید می‌کند تأکید دارد. بنابراین عوام‌گرایی کیفری که ناشی از احساس ناامنی طبیعی یا ساختگی افراد جوامع مختلف می‌باشد زمینه لازم را برای ایجاد رویکرد مدیریت خطر جرم فراهم نموده است (۴۲).

به هر حال عوام‌گرایی کیفری امروزه به بهانه‌های امنیتی و تبلیغاتی در برخی از کشورها گسترش یافته و طی رویکردی افراطی بر طراحی و اجرای راهبردهای کیفری موافق با نظرات مردم تأکید دارد و خود را مقید بر ضرورت سازگاری با یافته‌های علمی نمی‌داند. این نهضت که برخی ریشه و اساس آن را در ساختار و قلمرو حقوق کیفری عوام‌گرا می‌دانند در دهه‌های پایانی قرن بیستم در بسیاری از کشورها از جمله انگلستان و آمریکا به صورت نظام‌مندی با استقبال روبه‌رو شد. این جنبش در سال ۱۹۹۷ با روی کار آمدن دولت کارگر در کشور انگلستان موقعیت علمی و برجسته‌ای به دست آورد. سران دولت ادعا می‌کردند که جمعیت نخبه کشور که بسیاری از بخش‌ها و نهادهای کشور را در دست دارند، نگاهی آرمان‌گرایانه به رژیم حقوق کیفری داشته و عملاً از واقعیت‌های جامعه از جمله احساس ترس و ناامنی اقشار ضعیف که اغلب هدف ارتکاب جرم واقع می‌شوند، غافل می‌باشند. لذا خواهان حمایت بیشتر از افراد و اقشار عادی جامعه شده و با اخذ آراء ایشان قوانینی مانند «قانون جرائم و بی‌نظمی» مصوب ۱۹۹۸ به تصویب رساندند. این قانون که مسائلی مانند افزایش نرخ جرم و رقابت‌های انتخاباتی، رسانه‌ای شدن و بزرگنمایی جرائم خشونت‌بار، افزایش ناامنی ناشی از افزایش نرخ جرم در تصویب این قانون نقش عمده‌ای داشت. هم‌سو با خواست عامه مردم در عکس‌العمل نسبت به



پدیده جنایی به استقبال رویکرد حُسن کیفرمداری و سرکوب‌گر رفته است (۴۳).

در این قانون احکامی چون مقررات محدودکننده ناظر بر مرتکبان جرائم جنسی، قرار محدودکننده رفت‌وآمدهای صغار، قرار منتهی به بازداشت و به فراموش سپرده شدن فرض اولیه عدم مسئولیت و ناتوانی اطفال در ارتکاب جرائم به طور آشکار رویکرد عوام‌گرایانه‌ی آن را نشان می‌دهد که ضرورت حمایت و مشورت با افراد عادی و قربانیان جرائم را در جامعه تداعی می‌نماید. این شیوه برداشت نمایان‌گر آن است که سیاست جنایی عوام‌گرا با دنبال نمودن منطقی متغیر معمولاً مواهبتی امنیت‌گرا و بزه‌دیده محور دارد (۴۴).

سیاست عوام‌گرایی برای حل مشکل جرم از راهبردهای موقت استفاده نموده که کارایی آنها در بلندمدت با چالش شدیدی مواجه می‌گردد. زیرا این راهکارهای موقت هیچگونه توجهی نسبت به مقتضیات زمان و وقایعی که در آینده رخ می‌دهند ندارد. در نتیجه برنامه‌ای از پیش تعیین‌شده برای مواجهه با بحران‌های مزبور وجود ندارد. این مسئله در عمل باعث شده است که حقوق دفاعی متهمان و طیف زیادی از اصول مبنایی حقوق جزا مانند اصل احترام به حریم خصوصی افراد، اصل برائت و... مورد تعرض قرار گیرد. توجه به مشکلات، راهبردهایی چون جرم‌انگاری فوری و غیرکارشناسانه پس از عکس‌العمل عامه مردم نسبت به وقایع جنایی اجرای علنی مجازات‌ها به منظور جلب اعتماد مردم نسبت به اجرای مجازات‌ها، سیاست ناتوان‌سازی مبنی بر حذف و طرد مجرم، پاسخ احساسی به جرائم شدید و سیاسی شدن جرائم و انحرافات، سیاست جنایی عوام‌گرا را با کشمکش روبه‌رو ساخته است. این مسائل منطق مشورتی سیاست جنایی که مدعی ضرورت مشورت با افراد و اقشار مردم است را به چالش کشیده و موجب طرح این ادعا شده‌اند که در جامعه به منظور طراحی راهبردهای قابل دفاع برای سیاست جنایی لازم است با افراد آگاه‌تر به مسائل مشورت نمود، نه عده‌ای که بزه‌دیده یا مخاطب نظرسنجی‌های ترس‌آفرین رسانه‌ها واقع شده‌اند (۴۵).

در هر حال هرکدام از نهضت‌های نخبه‌گرایی و یا عوام‌گرایی و آثار و تبلیغات آنها در زمینه سیاست جنایی از جهات مختلف

قابل مطالعه و بررسی می‌باشد. اما آنچه که در این میان دارای اهمیت می‌باشد این است که هیچ کدام از این روش‌های مدیریتی در راستای اجرای راهبردها و الگوهای مناسب در عرصه سیاست جنایی جامعیت لازم را ندارند؛ از جمله ایراداتی که به جریان نخبه‌گرایی وارد می‌باشد این است که به مردم بزه‌دیده که در محله‌های بی‌نظم و بزه‌خیز زندگی می‌کنند توجهی ندارد و از سوی دیگر عوام‌گرایی علاوه بر ایرادات ذکرشده موجب گسترش بی‌دلیل سیاست‌های امنیت‌گرای فراگیر و پلیسی‌همانند «سیاست تسامح صفر در برابر حداقل بی‌نظمی‌ها و جرائم» می‌گردد. با توجه به مطالب گفته شده درمی‌یابیم که بهترین الگو برای سیاست جنایی الگوی ترکیبی و مشارکتی می‌باشد که با بهره‌مندی از روحیه و ذات گفتمان‌محور به همه اقشار جامعه، هم نخبگان و هم عوام توجه دارد و تلاش می‌نماید به میزان نیاز از دستاوردهای مفید و سازنده احزاب، جریان‌های سیاسی و اقشار مردم استفاده نماید.

## ۵-۱۰. هیئت منصفه نماد افکار عمومی در سیاست

### جنایی

هیئت منصفه از نهادهای حقوقی و اجتماعی است که علاوه بر اینکه در تأمین حقوق و آزادی‌های شهروندان و حراست از آنها در مقابل تجاوز دیگران به عنوان نماینده افکار عمومی نقش دارد در بعضی از دادرسی‌های کیفری من جمله دادرسی‌های مربوط به جرائم سیاسی و مطبوعاتی که در حقوق ایران حضور هیئت منصفه محدود به این موارد شده می‌تواند از مشارکت مردم به عنوان پایه‌گذاران اصلی حاکمیت و حکومت از اعمال نفوذهای احتمالی و سخت‌گیرانه دور از منطق نسبت به مجرمین این دسته از جرائم جلوگیری کند. براساس تجربه‌های تاریخی و انقلابی یکی از راه‌های اجرای عدالت در جامعه افزایش راه‌های کنترل قدرت قضایی می‌باشد. که در این راستا حضور هیئت منصفه در دادرسی‌های کیفری چه در مقام قضاوت و یا کارشناسی می‌تواند از شیوه‌های پیش‌بینی شده محسوب گردد (۴۶).

نظام قضایی ایران با پذیرفتن دخالت هیئت منصفه در جرائم سیاسی و مطبوعاتی به نقش هیئت منصفه در حد کارشناس

نکته که هیچ قاعده مشخصی برای ارتباط بین دولت و جامعه مدنی وجود ندارد، در نتیجه زمینه فراقلمنی جنایی و سوءاستفاده از راهکارهای متعادل سازی قدرت دولت وجود دارد (۴۹).

در واقع در این بعد از قلمرو می توان به سادگی با داد کمترین سطح از قدرت و دخالت در سازوکارهای مردم جامعه عملاً آنها را اجبار به عقب نشینی و استقرار در یک موقعیت حداقلی نمود. بنابراین طرح این الگو در بسیاری از جوامع در دسرساز خواهد بود، زیرا برای تعادل قدرت و دخالت قوای مختلف و بخش های رسمی و غیررسمی جامعه حد و مرزی معین نمی کند. در بعد دوم نیز اتهامات بیشتر است زیرا جدایی دولت از جامعه مفهومی توجیه نشده می باشد و روشن نیست که آیا منظور آن جدایی مطلق است یا نه؟ تردیدی نیست که الگونگاری سیاست های جنایی براساس چنین قاعده ای مبهم خواهد بود و در درازمدت باعث غیرفعال بودن بیشتر تدابیر جنایی عمومی می گردد. براساس حضور مختلف دولت در اجتماع و نیز قلمرو و کیفیت ارتباط آن با جامعه مدنی می توان از سه نوع دولت یاد نمود که عبارتند از دولت حداکثری، دولت حداقلی و دولت بینابینی (۵۰).

#### ۵-۱۲. مدل سیاست جنایی بدون توجه به افکار عمومی

دولت حداکثری دولتی است که تمام وسایل اعمال قدرت و مدیریت سیاسی- اجتماعی در کشور را دارد و می تواند در صورت تمایل حکم به کنار گذاشتن حداقل ساختارهای مردم نهاد در جامعه بدهد. در واقع دولتی است که با کنار گذاشتن افراطی سازوکارهای مردمی و جامعوی منحصراً زمامدار نظام اجتماعی می گردد. چنین دولتی نسبت به آزادی های شخصی بی اعتنا بوده و همواره خود را محق می داند به هر صورتی که مایل است در مسائل شخصی و حریم خصوصی افراد دخالت نماید. چنین دولتی که آن را سلطنت مطلقه فراگیر می نامند هرگونه مداخله ساختارهای مردم نهاد در امور مدیریتی کوچک و بزرگ جامعه را تهدیدی علیه اقتدار خود تعبیر نموده و به شدت اقدام به دفع آن می کند. چنین دولت های ماهیت عوام فریبانه دارند و سعی می کنند با طرح

نظر داشته است. در مدل انتخابی ایران تشخیص موضوع با هیئت منصفه است ولی انطباق موضوع با حکم قانونی و صدور رأی و تعیین میزان مجازات و معیار برخورداری مجرم از کیفیات مخففه جرم در انحصار قاضی دادگاه می باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در عبارات خود سهم بسزایی را برای نقش مردم قائل شده است. در اصل ۱۶۸ هیئت منصفه را به داوری طلبیده و حضور آن را در رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی ضروری می داند. به علاوه مشروح مذاکرات مجلس و بررسی نهایی قانون اساسی نشان می دهد که نهاد هیئت منصفه دارای سابقه اسلامی است. همچنین محتوای فقهی دارد. علاوه بر آن جلوی بسیاری از مفاسد و دیکتاتوری ها را می گیرد (۴۷).

اعضای هیئت منصفه از میان اقشار مختلف مردم جامعه انتخاب شده و وجود آنها باعث می شود که دادرسی ها جنبه مردمی داشته و افکار عمومی در دادرسی ها متجلی گردد. از آنجا که هیئت منصفه وکلای واقعی مردم می باشند، لذا انتظارات مردم را از عدالت و قضا بیان می دارند و آرای که صادر می شود نماینده افکار عمومی و درخواست مردم از دستگاه قضایی است و احکام صادره ناشی از این گونه قضاوت ها موجب رضایت افکار عمومی و چه بسا تحول در قانون گذاری جزایی باشد و از این نظر دارای فواید قضایی و سیاسی فراوانی است (۴۸).

#### ۵-۱۱. مدل های سیاست جنایی به اعتبار توجه یا عدم

##### توجه به افکار عمومی

دولت برمبنای معیارهای مختلف انواع گوناگونی دارد. در یک دسته بندی که از سوی حقوق دانان مطرح گشته است، دولت براساس میزان ارتباط با جامعه مدنی به دو نوع دولت مرتبط با جامعه مدنی و دولت جدای از جامعه مدنی تقسیم می گردد. این دسته بندی دو الگوی مدیریتی مجزا برای نظام سیاسی و دولت مطرح می نماید. در دولت مرتبط با جامعه مدنی قدرت بین دولت و جامعه مدنی تقسیم می گردد و در دولت منفک از جامعه مدنی برتری قدرت دولت بر سازوکارها و ساختارهای غیررسمی نظام اجتماعی یادآوری می نماید. با توجه به این

مبانی اعتقادی و ایدئولوژی مورد قبول عامه مردم سلطنت مطلقه خود را طرفدار و مجری آن ایدئولوژی معرفی کرده و علی‌رغم استبداد موجود پایگاه خود را بین مردم مستحکم نماید (۵۱).

در دولت حداکثری قدرت مرکزی هم نهاد برنامه‌ریز اصلی در امور اجتماعی است و هم اینکه بحران‌ها و معضلات اجتماعی چون پدیده جنایی را تدبیر می‌کند. در این دولت قدرت مرکزی هم تعریف جرم و انحراف را که تشکیل‌دهنده ماهیت پدیده جنایی است عهده‌دار است و تنها مرجع پاسخ‌گویی و واکنش نسبت به آنهاست. در این دولت مفهوم جرم و انحراف از هم جدا نشده و غالب انحرافات جرم محسوب می‌گردد و راجع به جرم و انحراف با ساختار دوگانه‌ای روبه‌رو نمی‌باشیم. از سوی دیگر عکس‌العمل دولت در مقابل پدیده جنایی جنبه رسمی و سرکوب‌گر دارد و متکی بر راهبرد توسعه دخالت حقوق کیفری است. در دولت حداکثری نهادهای مردمی و به طور کلی جامعه مدنی در گستره تعریف مصادیق و پاسخ‌گویی نسبت به پدیده جنایی نقش قابل ملاحظه‌ای ندارد. در نتیجه سیاست جنایی از یک الگو یا موقعیت سراسر دولتی بهره‌مند می‌باشد. به نحوی که آشکارا به ورطه مفهوم سیاست کیفری نزدیک شده است (۵۲).

سیاست‌مداران فقط به مورد حق امنیت اشاره می‌کنند و سایر موارد مانند حق مسکن، حق بهداشت، حق آزادی بیان و... را ابراز نمی‌دارند. در صورتی که این موارد نیز از وظایف دولت‌ها است و از جمله علل مهم بزه‌کاری همین عوامل اقتصادی و اجتماعی است.

دولت‌ها بودجه زیادی را صرف تأمین امنیت می‌کنند اما سایر موارد مانند مسکن و... را نادیده می‌گیرند و این نوعی تفکر یک طرفه از مقررات حقوق بشر می‌باشد. در کشورهای غربی نقض حقوق بشر به معنی نقض حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و... می‌باشد. به عبارت دیگر چون ضمانت اجرای ماده سه (حق امنیت) ساده‌تر است و تضمین مواد دیگر مشکل، لذا بحث امنیت مدنظر قرار گرفته و سایر موارد نادیده گرفته می‌شود. برای مثال در آمریکا میلیاردها دلار صرف تأمین امنیت حتی در کشورهای دیگر مانند افغانستان و عراق هزینه می‌شود ولی همین کشور سی میلیون بی‌خانمان دارد. به موجب این نوع سیاست جمعیت زندانیان در آمریکا افزایش یافته و به دنبال آن صنعت زندانبانی خصوصی در آن کشور به وجود آمده تا جایی که اکنون سیاست خصوصی‌سازی زندان‌ها به صورت گسترده در آن کشور اعمال می‌شود و حتی هر ساله نمایشگاه‌هایی در این زمینه برپا می‌گردد تا مقامات دولتی بتوانند شرکتی را که بهتر بتواند زندان را اداره کند انتخاب نمایند (۵۳).

به نظر می‌رسد در الگوی دولت حداکثری با سیاست کیفری حداکثری مواجه هستیم. این سیاست با تکیه بر روش‌های طردکننده روش مدیریت خطر جرم و سیاست کیفری خطرمدار و بهره‌گیری از منطق توجیه‌کننده، بزه‌کار را یک زباله اجتماعی پنداشته است و به دنبال حذف وی از چرخه حیات اجتماعی می‌باشد. این سیاست متأسفانه از ضرورت مرحله پیشگیری غافل است.

**۵-۱۳. سوءاستفاده ابزاری از وجدان عمومی و ویژگی سیاست جنایی عوام‌گرا**

سیاست جنایی عوام‌گرا براساس احساس عدم امنیت فرضی طرح‌ریزی می‌گردد و حتی گاهی در ادبیات سیاست کیفری عوام‌گرایانه به مقررات حقوق بشر استناد می‌شود، مانند ماده سه اعلامیه جهانی حقوق بشر که تأمین و تضمین حق بر

نزدیک شده است (۵۲).

### ۵-۱۳. سوءاستفاده ابزاری از وجدان عمومی و ویژگی سیاست جنایی عوام‌گرا

سیاست جنایی عوام‌گرا براساس احساس عدم امنیت فرضی طرح‌ریزی می‌گردد و حتی گاهی در ادبیات سیاست کیفری عوام‌گرایانه به مقررات حقوق بشر استناد می‌شود، مانند ماده سه اعلامیه جهانی حقوق بشر که تأمین و تضمین حق بر

## ۶. نتیجه‌گیری

واکنش نسبت به جرم و بزه‌کاری در طول تاریخ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. در گذشته هدف از مجازات انتقام‌جویی، سزادهی و ترساندن مجرم بوده و مجازات منطبق با قانون و جرم واقع نشده بود و مطابق با میل حکام صورت می‌گرفت و عملاً مجازات‌های غیرانسانی بر مجرمان تحمیل می‌شد. در قرن هجدهم در اروپا ایده مدرنیته و روشن‌گری که براساس عقل و علم بود ظهور نمود و با به وجود آمدن نهاد قانون‌گذاری فلسفه روشن‌گری بشرمحور مطرح گردید. از آنجا که این نوع سیاست‌گذاری برمبنای حوادث روزانه و جرائمی است که وجدان عمومی را جریحه‌دار می‌کند به عنوان یک سیاست جنایی مقطعی است که در زمان طولانی نمی‌تواند پدیده جنایی را کنترل کند. علاوه بر آن این نوع سیاست‌گذاری عوام‌گرایانه، مبانی اصلی قانون‌گذاری که همان عدالت و مصلحت همگان است را نادیده می‌گیرد؛ چرا که اعمال این‌گونه سیاست به نفع جامعه و مجرم نیست و تنها تأمین‌کننده منافع سیاست‌گذاران کیفری است که با اعمال این‌گونه سیاست‌ها قصد دارند جوابگوی مردمی باشند که از آنها امنیت و کنترل پدیده جنایی را طلب دارند تا به این طریق اعتماد مردم از آنها سلب نشود.

در واقع مبانی که باعث به وجود آمدن این‌گونه سیاست‌گذاری می‌شود احساس ناامنی و ترس عمومی است که از طریق رسانه‌ها و در پی حوادث جنایی در بین افراد جامعه به وجود آمده است و سیاست‌گذاران کیفری برای کاهش این ترس عمومی و بدون دخالت دادن نظر نخبگان قوانین سختگیرانه تصویب می‌کنند. به صورتی که در نظام قانون‌گذاری تحت تأثیر عوام‌گرایی کیفری امنیت‌گرا، مقنن بدون توجه به اصل حداقلی حقوق جزا که اعتقاد دارد هر جرم‌انگاری باید ضرورت داشته باشد، دست به جرم‌انگاری‌های وسیعی می‌زند که نتیجه آن تورم قوانین کیفری، افزایش جمعیت زندان و هزینه‌های اقتصادی برای جامعه است.

همچنین در زمینه واکنش به جرم هم در قوانین عوام‌گرا به اصل تناسب جرم توجهی نمی‌شود و قاضی بدون توجه به اصل فردی کردن مجازات و پرونده شخصیت متهم، مجازات تعیین

می‌کند و نهادهای مانند آزادی مشروط و تعلیق اجرای مجازات که با هدف مصالح شدن مجرم می‌باشند، به فراموشی و نسیان سپرده می‌شوند. به علاوه اصل دادرسی منصفانه که در پرتو آن اصل بر برائت، تفهیم اتهام و... است، بایستی صورت پذیرد؛ زیرا در این قوانین هدف اصلی که تأمین امنیت است، خدشه‌دار می‌شوند.

نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که مفهوم حکومت قانون شاکله اصلی در نظام حقوقی و به طور خاص نظام حقوق کیفری محسوب می‌شود. همانطور که پیش‌تر اشاره شد، مقصود از حکومت قانون این است که کلیه روابط تابعان حقوق و آثار آن باید به موجب مقررات و قوانین خوب تنظیم شوند. مقصود از «مقررات خوب»، مقرراتی است که اولاً منطبق بر نیازهای روز جامعه و ثانیاً تنظیم‌کننده روابط تابعان به نحو احسن می‌باشند. مفهوم حکومت قانون دارای پنج عنصر اصلی می‌باشد که عبارتند از: دسترسی به عدالت و رسیدگی قضایی؛ جزمیت حقوقی و قابل پیش‌بینی بودن؛ تناسب؛ برابری و عدم تبعیض؛ و نهایتاً شفافیت. با نگاهی به اوصاف و رویه‌های سیاست جنایی عوام‌گرا مشخص می‌شود که عناصر حکومت قانون در مواجهه با این سیاست در فضای حقوق کیفری با چالش مواجه می‌شوند. در واقع احساسات و وجدان عمومی، دارای ویژگی‌های خاصی مانند انفجاری بودن، گذرا بودن، غیرمنطقی، و... می‌باشد؛ این اوصاف نیز به نوبه خود باعث شده است که سیاست جنایی عوام‌گرا نیز سخت‌گیرانه، عامه‌پسند، نمایشی، احساسی و فاقد مبنای نظری و علمی باشد.

باید دقت داشت که جامعه از افراد گوناگون با سلیقه‌ها و افکار بسیار متنوع تشکیل شده است و از طرفی واقعیت این است که رسالت عالم حقوق، تنظیم روابط اعضاء همین جامعه (با وجود همین تنوع و انکسار) می‌باشد. در نتیجه، در عمل نمی‌توان با تکیه صرف بر معادلات آکادمیک و اصول و قواعد حقوقی محض، روابط یک جامعه را تنظیم کرد؛ چرا که بسیاری از اصول و قواعد حقوقی (مانند اصل حسن نیت، وفای به عهد و...) از بطن همین روابط جامعه متولد شده است. در نتیجه نمی‌توان به صورت مطلق هیچ‌گونه گرایش و توجهی به

تفکرات، انتظارات و خواسته‌های عوام در فرآیندهای کیفی نداشت. به نظر می‌رسد که اولاً باید وجدان عمومی (که ریشه در احساسات عمومی دارد) را با افکار عمومی (که ریشه در تفکر و منطق جامعه دارد) همراه کرد و از طرفی نیز با تأکید بر حق بر آموزش و اعتلای سطح افکار عمومی، بتوان تا حدود زیادی خواسته‌ها و انتظارات عمومی را نظام‌مند و کنترل نمود. به بیان ساده‌تر، باید عوام‌گرایی را در سیاست‌های کیفی به مرور کم‌رنگ نمود و با گذشت زمان از طریق ارتقاء سطح افکار عمومی، وجدان و احساسات عمومی را کنترل و به سمت داشتن واکنش منطقی سوق داد.

#### ۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

#### ۸. سهم نویسندگان

نویسندگان به صورت برابر در تهیه مقاله حاضر مشارکت داشته‌اند.

#### ۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

## References:

1. Moghadasi M, Farajiha M. Characteristics of populist criminal policies, comparative study. *Quarterly Journal of Comparative Law Studies*. 2013;4(2):137-155. (Persian).
2. Farajiha M, Moghadasi M. Criminal populist approach to sexual crimes (comparative study). *Quarterly Journal of Comparative Law Studies*. 2011;2(72):113-32. (Persian).
3. Jafari A, Ahmadi A. Populism in the field of environmental criminal policy. *Bioethics Quarterly*. 2015;5(15):71-99. (Persian).
4. Beyranvand F. The procedure of national courts in confronting with international soft law with emphasis on international humanitarian law. Tehran: Islamic Azad University; 2020. p. 325. (Persian).
5. Smith KS. Emile Durkheim and the collective consciousness of society: a study in criminology. Wimbledon: Anthem Press; 2014.
6. Walker A. *Collective Consciousness and Gender*. London: Palgrave Macmillan; 2018.
7. Hirst PQ. *Durkheim, Bernard and epistemology*. London: Taylor & Francis; 2011.
8. Hughes H, Hoffman S. *Consciousness and Society*. London: Taylor & Francis; 2017.
9. Law A. *Key concepts in classical social theory*. London: Sage; 2010.
10. Glynn C, Herbst S, Lindeman M, O'Keefe G. *Public Opinion*. London: Avalon Publishing; 2015.
11. Herbst S. The history and meaning of public opinion. In: Berinsky A, editor. *New Directions in Public Opinion*. London: Taylor & Francis; 2015. p. 21-33.
12. Sears D. Assessing Continuity and Change. Berinsky A, editor. London: Taylor & Francis; 2015.
13. Karpasitis C, *Social Media*. ECSM 2020 8th European Conference on Social Media. London: Academic Conferences and Publishing Limited; 2020.
14. Facchini G, Mayda AM, Puglisi R. Individual attitudes towards immigration: Economic vs. non-economic determinants. In: Hansen R, Leal D, editors. *Immigration and public opinion in liberal democracies*. Hague: Routledge; 2013. p. 129-57.
15. Schwartz SH. Basic personal values and political orientations. In: Aldrich J, McGraw K, editors. *Improving Public Opinion Surveys*. Princeton: Princeton University Press; 2013. p. 63-82.
16. Suleiman EN. *Dismantling democratic states*. Princeton: Princeton University Press; 2013.
17. Kaczorowska A. *Public International Law*. London: Taylor & Francis; 2015.
18. Barabas J. Public Opinion, the Media, and Economic Well-Being. In: Jacobs L, Shapiro R, editors. *The Oxford Handbook of American Public Opinion and the Media*. Oxford: Oxford University Press; 2011. p. 589-604.
19. Thin S. Community Interest and the International Public Legal Order. *Netherlands International Law Review*. 2021;68(1):35-59.
20. Wolff J. *Robert Nozick: property, justice and the minimal state*. London: John Wiley & Sons; 2018.
21. Sellers JM, Lidström A, Bae Y. *Multilevel democracy: How local institutions and civil society shape the modern state*. Cambridge: Cambridge University Press; 2020.
22. Roberson C, Das DK. *An introduction to comparative legal models of criminal justice*. London: Taylor & Francis; 2016.
23. Egan PJ. Public opinion, the media, and social issues. In: Jacobs L, Shapiro R, editors. *The Oxford handbook of American public opinion and the media*. Oxford: Oxford University Press; 2011. p. 622-38.
24. Wilson CP. *Learning to Live with Crime: American Crime Narrative in the Neoconservative Turn*. Ohio: The Ohio State University Press; 2020.
25. Caravelis C, Robinson M. *Social justice, criminal justice: The role of American law in effecting and preventing social change*. London: Taylor & Francis; 2015.
26. Ryan A. *Towards a system of European criminal justice: the problem of admissibility of evidence*. London: Taylor & Francis; 2014.
27. Reynald DM, LeClerc B. *The Future of Rational Choice for Crime Prevention*. London: Taylor & Francis; 2017.
28. Martín A, Romero M. *Towards a Rational Legislative Evaluation in Criminal Law*. London: Springer International Publishing; 2016.
29. Silverman J. *Crime, policy and the media :the shaping of criminal justice, 1989-2010*. London: Taylor & Francis; 2013.



30. Bumgarner JB. Profiling and criminal justice in America: a reference handbook. Oxford: Abc-Clio; 2004.
31. Broadhurst R, Lee K, Chan C. Crime trends. In: Chui E, Lo W, editors. *Understanding Criminal Justice in Hong Kong*. London: Taylor & Francis; 2016. p. 57-81.
32. Winter Y. *Machiavelli and the Orders of Violence*. Cambridge: Cambridge University Press; 2018.
33. Hunt E. *The Rise and Fall of Elites: Application of Theoretical Sociology*. London: Taylor & Francis; 2017.
34. Ionescu R. 9/11, Elitism or Post-Modernism. *GeoPatterns*. 2017;2(1):31-4.
35. Hawkins KA. *The Ideational Approach to Populism*. Hague: Routledge; 2019.
36. Steen A. Political elites and the new Russia: The power basis of Yeltsin's and Putin's regimes. London: Taylor & Francis; 2004.
37. Jensenius FR, Wood AK. Caught in the act but not punished: On elite rule of law and deterrence. *Penn State Journal of Law & International Affairs* 2015;4(2):681-717.
38. Petintseva O, Faria R, Eski Y. *Interviewing elites, experts and the powerful in criminology*. London: Springer; 2020.
39. Das D, Albrecht J. *Effective Crime Reduction Strategies: International Perspectives*. London: CRC PressINC; 2019.
40. Michel C, Heide KM, Cochran JK. The consequences of knowledge about elite deviance. *American journal of criminal justice*. 2016;41(1):359-82.
41. Green DA. *When children kill children: Penal populism and political culture*. Oxford: Oxford University Press; 2012.
42. Bonner MD. *Tough on crime: The rise of punitive populism in Latin America*. Pennsylvania: University of Pittsburgh Press; 2019.
43. Roberts JV, Stalans LJ, Indermaur D, Hough M. *Penal populism and public opinion: Lessons from five countries*. Oxford: Oxford University Press; 2003.
44. Newburn T. "Tough on crime": penal policy in England and Wales. *Crime and Justice*. 2007;36(1):425-70.
45. Selvaggi N. *Populism and Criminal Justice in Italy*. In: Pacini F, Delledonne G, Martinico G, Monti M, editors. *Italian Populism and Constitutional Law: Strategies, Conflicts and Dilemmas*. London: Springer International Publishing; 2020. p. 291-310.
46. Cole G, Smith C, DeJong C. *The American System of Criminal Justice*. London: Cengage Learning; 2018.
47. Safari N, Dehghani P. Jury in legal claims. *Contemporary legal studies* 2019;10(18):125-49. (Persian).
48. Sharifi M. Legislative shortcomings of an efficient jury in the Iranian legal system. *Parliament and strategy*. 2019;100(1):119-47. (Persian).
49. Lazerges C. *Introduction à la politique criminelle*. Translated by Abrandabadi A. Tehran: Mizan; 2000. (Persian).
50. Koonani S. *Criminal politics: from discourse to rhizomic and inaccurate structures*. Tehran: Majd; 2014. (Persian).
51. Mandani I, Ashoori M. Justifications, rules and forms of government intervention in criminal policy. *Private and criminal law research*. 2015;11(24):97-120. (Persian).
52. Ghanad F, Akbari M. *Security-Oriented Criminal Policy*. *Criminal Law Research*. 2017;5(18):39-67. (Persian).
53. Guia MJ, Gomes S. *Brief Introduction to Prison, State, and Violence Intersections*. In: Guia M, Gomes S, editors. *Prisons ,State and Violence*. London: Springer International Publishing; 2019. p. 1-7.



The Iranian Association  
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal  
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



## ORIGINAL ARTICLE

# Interactions of public conscience and public opinion in the light of populist criminal policy

Salman Ghasemi Falavarjani<sup>1</sup>, Gholamhossein Masoud<sup>2\*</sup>, Ahmadreza Tavakoli<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Basics of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

## ARTICLE INFORMATION

**Received:** 6 March 2021

**Accepted:** 15 June 2021

**Published online:** 24 June 2021

### Keywords:

Criminalization

Public Conscience

Public Opinion

Populist Criminal Policy

## ABSTRACT

**Background and Aim:** Among the social manifestations of the current era that have spread the criminal phenomenon in society is the public conscience and its effectiveness on the criminal phenomenon and crime and punishment. Criminal law and the manifestation of crime and punishment are not safe from this area. In the areas of legislation, adjudication, and enforcement, public conscience policies have forced the legislature to criminalize conduct in some areas. As a result, the executive and judicial organs are also influenced by the concept of public conscience in order to exercise their powers.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Results:** Populist criminal policy is based on daily events and crimes that hurt the public conscience as a cross-cutting criminal policy that cannot control the criminal phenomenon in the long run. Moreover, this kind of populist policy ignores the basic principles of legislation, which is the justice and interest of all.

**Ethical considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Conclusion:** In fact, public feelings and conscience have certain characteristics such as being explosive, transient, irrational, etc.; These descriptions, in turn, have made populist criminal policy harsh, popular, dramatic, emotional, and lacking in theory and science. A look at the characteristics and procedures of populist criminal policy reveals that the elements of the rule of law are challenged in the face of this policy in the field of criminal law.

### \* Corresponding Author:

Gholamhossein Masoud

**Address:** Department of Law,  
Najafabad Branch, Islamic Azad  
University, Najafabad, Iran.

**Postal Code:** 85141-43131

**Telephone:** 31-42292929

**Email:** gh.masoud@iaun.ac.ir

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Ghasemi Falavarjani S, Masoud GH, Tavakoli A. Interactions of public conscience and public opinion in the light of populist criminal policy. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.